

در میزگرد تخصصی «طبیعت ایران» مطرح شد برداشت چوب‌های شکسته و افتاده جنگل بخش دوم

با توجه به اینکه مدتی است بحث‌های موافق و مخالفی پیرامون موضوع «برداشت چوب‌های شکسته و افتاده جنگل» در سطح کشور مطرح شده است، بر آن شدیم تا از متخصصان مربوطه دعوت و در نشستی درمورد آن گفت‌وگو کنیم. در این گفت‌وگو، به‌صورت حضوری از نظرات آقایان دکتر علی علیزاده علی‌آبادی (رئیس مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور)، دکتر خسرو ناقب‌طالبی (معاون پژوهش، فناوری و انتقال یافته‌ها)، دکتر محمد متینی‌زاده (رئیس حوزه ریاست مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور)، دکتر سیدموسی صادقی (مدیر هماهنگی امور پژوهشی و ارتباطات علمی)، دکتر مهدی پورهایمی (رئیس بخش تحقیقات جنگل مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور)، دکتر تقی شامخی (پیشکسوت گروه جنگل‌داری و اقتصاد جنگل دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران)، دکتر محسن یوسف‌پور (قائم‌مقام معاونت امور جنگل سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور)، دکتر محمدعلی فخاری (مدیرکل دفتر جنگل‌داری و امور بهره‌برداری سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور)، دکتر عطاله حسینی (عضو هیئت‌علمی گروه جنگل‌داری و اقتصاد جنگل دانشکده منابع طبیعی





دانشگاه تهران)، دکتر کیومرث سفیدی (عضو هیئت علمی گروه جنگل‌داری دانشگاه محقق اردبیلی)، دکتر اصغر فلاح (معاون اداری و مالی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری)، دکتر هاشم حبشی (رئیس دانشکده علوم جنگل دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان)، دکتر رضا اخوان (عضو هیئت علمی بخش تحقیقات جنگل مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور) و مهندس شاهرخ جباری (پیشکسوت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور) بهره‌خواهم برد، همچنین، از طریق وب‌کنفرانس نیز در خدمت اساتید محترم جناب آقایان دکتر باریس مجنونیان (پیشکسوت گروه جنگل‌داری و اقتصاد جنگل دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران)، دکتر احمد رحمانی (پیشکسوت بخش تحقیقات جنگل، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور)، دکتر مجید لطفعلیان (عضو هیئت علمی گروه جنگل‌داری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری)، دکتر مهرداد نیکوی (مدیر گروه جنگل‌داری دانشگاه گیلان)، دکتر هرمز سهرابی (عضو هیئت علمی گروه جنگل‌داری دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر امید اسماعیل‌زاده (عضو هیئت علمی گروه جنگل‌داری دانشگاه تربیت مدرس) و دکتر سیداحسان ساداتی (رئیس بخش تحقیقات منابع طبیعی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان مازندران) خواهیم بودیم.

ذکر این نکته لازم است که این گفت‌وگو، در قالب نشست نخبگانی مؤسسه برگزار شد که از آن برای گفت‌وگوی چالشی «نشریه طبیعت ایران» نیز بهره‌بردیم تا مطالب ارزشمند ارائه‌شده در اختیار علاقه‌مندان به موضوع و مسئولان کشور قرار گیرد. آنچه در ادامه می‌خوانید، بخش دوم و پایانی این گفت‌وگوست.

طبیعت ایران: جناب آقای دکتر حسینی، انجمن علمی جنگلبانی ایران با برگزاری نشست‌های مختلف و جمع‌بندی و ارائه نظرات متخصصان مربوطه نقش مهمی در مدیریت جنگل‌ها و در گذشته درمورد تنفس جنگل داشته است. جناب‌عالی هم‌اکنون به‌عنوان رئیس انجمن جنگلبانی ایران

درمورد مدیریت جنگل و برداشت درختان شکسته و افتاده چه نظری دارید؟

دکتر حسینی (رئیس انجمن علمی جنگلبانی ایران و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

ضمن عرض سلام خدمت حاضران در جلسه، بسیاری از مطالب توسط دوستان و به‌طور مفصل مطرح شد. بنده نیز، بسیاری از دغدغه‌ها، مشکلات و گرفتاری‌ها را در ششمین همایش ملی جنگل ایران در روز ۴ دی، اعلام و به آخرین فعالیت‌های انجمن اشاره کردم. از نظر بنده، بهتر بود نخست مسئله را از دوستان سازمان منابع طبیعی می‌شنیدیم. ایشان چه کار کرده‌اند؟ به کجا

رئیس سازمان برنامه و بودجه مقصر است که باید بودجه و اعتبار لازم را برای تهیه و اجرای طرح جایگزین فراهم نماید؟ جایگاه سازمان منابع طبیعی در این زمینه کجاست؟ برای انجام کارها، باید برنامه داشت، با داشتن برنامه، می‌دانید که آن کار چگونه انجام شده است، آیا در کار انجام‌شده مورد بحث، برنامه‌ریزی درست بوده است؟ برای یادآوری عرض می‌کنم، ۲۷ دی‌ماه، سالروز ملی شدن جنگل‌ها بود، جنگل‌ها در سال ۱۳۴۱ ملی شدند، در آن زمان، بسیاری از مطالب روشن و مشخص بود. نگاه به گذشته نشان می‌دهد، توانمندی قانون‌گذاری بسیار بیشتر و بهتر بوده است، همان‌طور که دکتر شامخی فرمودند از



گذشته قانونی داشتیم که هنوز هم به آن اتکا می‌کنیم و آن، قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌هاست.

براساس نظر آقای مهندس جباری، موضوع درختان شکسته و افتاده، در کنار موضوعات متنوع مربوط به جنگل، موضوع بسیار پیش‌پاافتاده‌ای است. تخصص بنده، جاده‌های

رسیده‌اند؟ چه مسائلی را به پیش برده‌اند؟ با چه هزینه و اعتباراتی کار را انجام داده‌اند؟ و پس از دریافت پاسخ‌ها، موضوع را واکاوی می‌کردیم و متوجه می‌شدیم چه اتفاقاتی افتاد و به کجا رسیدیم. خواهش می‌کنم، جلسه بعد مقصر را دعوت کنیم، تهیه‌نشدن به‌موقع طرح جایگزین تقصیر چه کسی است؟ آیا

جنگلی است. دکتر ساریخانی (که خدا رحمتشان کند) در این زمینه بسیار قدرتمند بودند، ایشان همچنین، یکی از جنگل‌شناسان قوی بودند. در بحث جاده‌های جنگلی و تئوری‌های موجود، پرسش و مشکل عمده‌ای که با آن روبه‌رو هستیم، اینکه چرا، چگونه و با چه کیفیتی جاده‌ها در جنگل احداث شده‌اند؟ آیا به برنامه‌ریزی شبکه جاده جنگلی توجه شده است؟ طرح‌های جنگلداری، تئوری، شاخص و اندازه‌های مشخصی دارند. این نتیجه رعایت نکردن مسائل علمی در موضوعات اجرایی است. جا دارد اینجا، از مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، به‌عنوان بال پژوهشی سازمان منابع طبیعی

متأسفانه جوابگو نیست، درنهایت هم، این اعتبار به سازمان برنامه‌بودجه برمی‌گردد. از وزیر محترم جهاد کشاورزی خواهش می‌کنم، مسئله جذب اعتبارات را مشخص کند. دلیل اینکه طرح‌ها اجرا نمی‌شوند، مسائل ریشه‌ای هستند که در این زمینه وجود دارند. آقای دکتر شامخی به این موضوع اشاره کردند، به اینکه بیانیه ۱۱ آذر انجمن به این اشاره داشت که آقایان، همدلی، هم‌آوایی و هم‌راستایی لازم است، چراکه اگر سازمان ضعیف شود، پژوهش و آموزش هم ضعیف می‌شود. درمورد تجهیزات، امکانات و بسیاری از موارد دیگر که مهم است، مسائل بسیار گسترده‌تر از این است، انجمن بر این تأکید

مشخص است، برنامه باید براساس بودجه باشد، شروع و پایان یک طرح تفصیلی باید مشخص باشد، این طرح، کجا و برای چه اجرا خواهد شد، درآمد آن (بیان هزینه و درآمد) چگونه خواهد بود؟ جزئیات طرح باید روشن و مشخص باشد. چگونه باید با جنگل‌نشینان و جوامع محلی ارتباط برقرار کرد. در این مورد پیشنهاد می‌شود، با شورای این جوامع مشارکت بیشتری شود.

اگر سازمان بخواهد، موضوع درختان شکسته و افتاده را پیگیری کند، آیا خودش توانایی دارد یا باید از جوامع محلی کمک بگیرد و با شورای روستاهای جنگل‌نشین هماهنگ شود. بدون شک، در صورت ناهماهنگی از



تشکر کنم. واقعیت این است، هنگامی که اعتبارات تقسیم می‌شود و بودجه‌ها می‌آید، در همین سازمان منابع طبیعی، بی‌عدالتی‌هایی مشاهده می‌شود، اعتبار هنگفتی به آبخیزداری تخصیص داده می‌شود، منابع طبیعی اما، با در نظر گرفتن سایر گرفتاری‌ها و مشکلات، اعتباری را به آن اختصاص می‌دهد که

می‌نماید، باید هرچه سریع‌تر طرح روی زمین اجرا شود. درمورد طرح‌های جنگلداری، در یک مقطع زمانی، دیواری وجود داشت که از همه چیز محافظت می‌کرد، قرقبان‌ها هم کار خود را انجام می‌دادند، امروز اما، هیچ‌کدام از اینها در جنگل‌های شمال وجود ندارند. وقتی که طرحی موجود باشد، سازوکار آن

سوی جامعه جنگل‌نشین شاهد دافعه خواهد بود. به‌عنوان مثال، در سال ۷۴ طرحی در محل احداث سد البرز داشتیم و به‌همراه یک دوربین نیوا می‌خواستیم به جنگل نفوذ برویم، افراد محلی به ما تذکر دادند و گفتند، دوربین خود را نیاورید، چرا؟ به‌خاطر اینکه اگر افرادی که مخالف ایجاد سد در منطقه هستند و درآمد



آنها از زمین‌هایشان با احداث سد از بین می‌رود، دوربین را ببینند، بدون تردید به شما حمله و با شما مخالفت می‌کنند. دوباره عرض می‌کنم، مطالب باید جامع و جامعه‌نگر باشد و نقش و سهم مردم منطقه را در نظر بگیرد. اینکه سازمان، با توجه به طرح‌های جنگل‌داری برای خروج درختان شکسته و افتاده از نیروهای خود و نیروهای محلی و جوامع بومی استفاده کند، ممکن است موجب شود مردم متوجه زحمت و فعالیت نیروهای دولتی شوند و همکاری نمایند. درمورد مدیریت پایدار جنگل‌های هیرکانی، نخست باید سیاست پایدار داشته باشید، اینکه یک سال درختان شکسته و افتاده از جنگل خارج شوند و سال بعد همان‌جا بمانند، نشان‌دهنده ناپایداری در سیاست است و این ناپایداری به همه موارد سرایت خواهد کرد. بی‌شک، سیاست پایدار به اعتبار و بودجه پایدار نیاز دارد تا برنامه‌ریزی شود و مدیریت پایدار، براساس برنامه‌ریزی انجام شود. واقعیت این است، اگر طرحی براساس مطالب ارائه‌شده جا افتاده باشد، می‌تواند به‌شرط ورود سیاست و برنامه‌ریزی پایدار، به‌خوبی اجرا شود. در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، خروج درختان شکسته و افتاده براساس موارد گفته‌شده خطرناک است، ضروری است، مسائل به‌روشنی بیان شوند، آگاه‌سازی‌ها انجام شوند، اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها در جریان طرح‌های موجود قرار گیرند و به چیزهایی که در جنگل‌ها وجود دارند، آگاه شوند، همه ما در این جنگل‌ها زندگی می‌کنیم و از خدمات آنها بهره می‌گیریم، اما متخصصان جنگل باید درمورد آن نظر دهند. مرحوم دکتر مهاجر نیز معتقد بود، توقف و استراحت جنگل‌های شمال برای همیشه نباشد. مدت توقف مشخص است، توقف، تلنگری برای انجام اقدامات اصلاحی است، لازم است، به نظرات متخصصان احترام گذاشته شود. همان‌طور که آقایان دکتر ثاقب‌طالبی و دکتر نیکوی و سایر همکاران اشاره کردند، وقتی کارزاری راه می‌افتد، باید،

متخصصان مربوطه و سازمان، مسائل را به‌طور تخصصی‌تر و درعین‌حال، قابل‌فهم برای مردم بیان کنند. از کسانی که تربیون‌های گسترده‌ای دارند، ولی تخصص ندارند و به نظر می‌رسد دانشگاهی نباشند، خواهش می‌کنم در این موارد، به متخصصان موضوعی مراجعه کنند و مسائل کارشناسی را ببینند و بشنوند. حرف‌های پویولیستی و ژورنالیستی را کم کنند و اخبار درست و صحیح را براساس مشورت با متخصصان و پیشکسوتان در اختیار مردم قرار بدهند و این‌گونه مردم را دچار شوک نکنند. وضعیت جنگل‌های هیرکانی در حالت سکنه است، امیدواریم به‌کما نرود، امیدواریم، سازمان هرچه زودتر به جایگاه رفیع خود برگردد. بدون تردید، ما در انجمن، پشتیبان مسائل و نظرات علمی و کارشناسی دوستان در سازمان هستیم. پیشنهاد می‌کنم، در این میان نگاهی به شرایط اقتصادی-اجتماعی جامعه جنگل‌نشین نیز داشته باشیم.



طبیعت ایران: آقای دکتر لطفعلیان، لطفاً مطالب خود را پیرامون موضوع جلسه و نظراتی که ارائه شد، بیان فرمایید.

دکتر مجید لطفعلیان (عضو هیئت‌علمی گروه

جنگل‌داری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری)

ضمن عرض سلام و خسته نباشید خدمت همکاران محترم و تشکر از برگزاری این جلسه، صحبت جناب آقای دکتر حسینی، که بر لزوم پایداری سیاست اشاره کردند، بسیار مهم است. آقای دکتر حبشی نیز مواردی را مطرح نمودند، که نکات درستی است، اینکه درختان شکسته و افتاده اصلاً موضوع مهمی نیست ولی بهانه خوبی است که صحبت و آسیب‌شناسی درزمینه مدیریت جنگل دوباره مطرح شود. آقای دکتر شامخی فرمودند، دانش جنگلبانی باید در متن باشد، حرف ایشان نیز کاملاً صحیح است، زمانی ما در چاله افتادیم که موارد اساسی در حاشیه قرار گرفت و سیاست‌گذاری‌ها، به روزنامه و تلویزیون راه یافت. در سال ۹۴ مجبور شدم پشت‌سرهم، سه مقاله درمورد اشتباه طرح تنفس جنگل‌ها بنویسم و در روزنامه‌ها چاپ کنم، چون مباحث دانشگاهی دیگر بردی نداشتند و بحث را از شکل تخصصی به شکل پویولیستی کشانده بودند. به‌طورکلی، تنفس جنگل‌ها بسیار بد بود، پیشنهاد می‌کنم حتماً آن مقاله‌ها را بخوانید. از همان زمان معلوم بود چه اتفاقاتی خواهد افتاد، طراح اصلی استراحت نیز، همان زمان به اشکالات تنفس پی برد، لیکن قطاری بود که به راه انداخته بودند و درواقع، رویشان نمی‌شد از آن پیاده شوند، بنابراین، شروط ده‌گانه گذاشتند. شروطی که معلوم بود امکان اجرا ندارند. گفته شد، دام از جنگل خارج شود، درصورتی‌که دام را بعد از این همه سال نمی‌توانید از جنگل خارج کنید، پس معلوم است به اشتباهتان پی برده‌اید، ولی کار از دستتان خارج شده است. وقتی کار کارشناسی و تخصصی را به رسانه‌ها و نماینده‌ها و امثال آنها کشانید، معلوم بود چه خواهد شد. همچنان داریم چوب آنها را می‌خوریم، نمی‌توان تصمیم کارشناسی درستی درمورد آن گرفت، حتی اگر سازمان هم تصمیم کارشناسی بگیرد، نمی‌تواند آن را اجرا کند، چون شکل مدیریت، دیگر کارشناسی نیست.

نکته‌ای که جناب دکتر ثاقب‌طالبی درمورد تدوین قانون مطرح کردند، مهم است. به نظر بنده امروز زمان آن است که این موضوع مطرح شود. هرکسی که خواهان طرح جنگل‌داری است، باید بداند در طرح جنگل‌داری، خواهی‌نخواهی

برداشت چوب وجود دارد و با قوانین موجود، نشدنی است. در ارتباط با بحث مدیریت پایدار باید توجه داشت که این نوع مدیریت سه رکن اصلی دارد. رکن اقتصادی چیزی است که در دوره‌های قبل بیشتر بر آن تأکید داشتند، رکن اکولوژیک که برخی از این سمت بام افتاده‌اند و تنها این رکن از مدیریت را می‌بینند. از نظر بنده اما، رکن سوم یعنی رکن اجتماعی، اگرچه مدافعی هم در کشور نداشته باشد، با توجه به اینکه تجربه جهانی دارد، باید مورد توجه جدی قرار گیرد. درواقع، اگر می‌خواهید جنگل پایدار داشته باشید، باید بر این سه رکن استوار باشید. به مسائل اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی توجه کنید. برایم جالب بود که آقای دکتر اسماعیل زاده، همچنان در مورد بودجه دولتی صحبت می‌کنند، درحالی‌که تجربه این سال‌های گذشته پیش روی همه است، تجربه دنیا هم می‌گوید متکی بر خود باشید. SFM می‌گوید نباید متکی بر منابع خارجی باشید، چراکه تضمینی بر استمرار آنها نیست و این، پایداری جنگل را به خطر می‌اندازد. علم مدیریت جنگل می‌گوید، جنگل باید متکی بر خود باشد. اگر طرحی تهیه می‌کنیم، باید این سه وجه در آن دیده شود، حتی مشارکت مردم در سیاست‌گذاری‌ها. آقای دکتر سفیدی به درستی فرمودند، یک طرح داریم به نام طرح جنگل‌داری. در مدیریت جنگل Forestry داریم و Forest Management و شکل اینها با توجه به شرایط منطقه فرق می‌کند، طبیعی است، اولویت‌های اینها هم با توجه به زمان فرق می‌کند. روزی اقتصاد مهم بود و روزی حفاظت خاک، روزی مسئله اکولوژی مهم‌تر است و زمانی موضوع جوامع محلی. حالا اگر بخواهیم اسم «نوین» روی آن بگذاریم، فردا روی آن چه اسمی خواهیم گذاشت. بنابراین، بهتر است از طرح نوین و جایگزین و اینها حرفی نزنیم و تنها بگوییم طرح جنگل‌داری.

درمورد دستور جلسه، اینکه درختان شکسته و افتاده برداشت شوند یا نه، بنده با این مسئله مخالفم. در جلسه‌ای که برای تدوین برنامه هفتم در سازمان و در چالوس برگزار شد نیز، مخالفت خود در این مورد را اعلام کردم، تا جایی که به خاطر دارم نیز چنین مصوبه‌ای نداشتیم. بحث بنده، بحث اکولوژی یا جنگل‌شناسی نیست، بحث مدیریتی است، آنجا دلایلم را این‌طور

مطرح کردم و امروز هم به همان باور دارم، نخست اینکه اگر شکسته‌ها و افتاده‌ها برداشت شوند، سازمان دیگر به فکر تهیه طرح نیست و از این به بعد چشمش به دنبال درختان افتاده خواهد بود. دوم اینکه وقتی کاری خارج از طرح باشد، حساب و کتاب درستی هم درمورد آن وجود ندارد و در نظارت و کنترل اختلال به وجود می‌آید. سوم اینکه «تالی فاسد» دارد، یعنی کسانی به دنبال این خواهند بود که درخت افتاده‌ای وجود داشته باشد. چهارم اینکه ضمانت محکمی وجود ندارد که برداشت تنها به همین درختان محدود شود. وقتی طرح نباشد، مقدار برداشت معلوم نباشد، وقتی سازمان منسجم نظارتی، از دست رفته باشد و قدرت کارشناسی سازمان تضعیف شده باشد، اینها همه دست به دست هم می‌دهند و موجب انحراف در برداشت می‌شوند. پنجم و از همه مهم‌تر اینکه، چرا روی طرح جنگل‌داری پافشاری می‌کنیم؟ چون در آن مشخص می‌کنید، چه زمانی و چه کاری انجام شود. وقتی سطح بزرگ می‌شود، زمان طولانی است و تعداد کارکنان زیادند، طبق قاعده، باید برای هر اقدامی طرحی وجود داشته باشد. یکی از مهم‌ترین مسائل درمورد طرح، برنامه برای آینده است و به این معنی نیست که تنها امورات سال جاری انجام شوند، ما طرح را اجرا می‌کنیم برای برنامه‌ریزی در افق ۱۰ ساله. درحالی‌که وقتی سراغ شکسته‌ها و افتاده‌ها می‌روید، هیچ افق و آینده‌ای نداریم، یعنی امکان برنامه‌ریزی نداریم، یعنی شما در برابر اتفاقات، منفعل هستید و این، مدیریت نیست. خلاصه اینکه رفتن به سمت برداشت اینها، مانع برنامه‌ریزی خواهد بود. بهتر است در این جلسه، همه افراد نظرات خود را اعلام کنند و درنهایت، پیشنهادها به سازمان ارسال شود. سازمان باید برنامه ملی جنگل را تصویب کند. بعد از آن و با استفاده از آن به عنوان قانون بالادستی، طرح‌های جنگل‌داری را تهیه کند. اینها باید اولویت‌های سازمان باشد، نخست، برنامه ملی جنگل و دوم تهیه طرح‌های جنگل‌داری. اینکه دکتر ثاقب طالبی فرمودند، قوانین اصلاح شود، نیز بسیار مهم است. برنامه هفتم مهم است و نباید به امید برنامه هشتم نشست، تا آن زمان خیلی دیر است. سازمان باید اقدامات لازم را از امروز برای اصلاح قوانین و تبصره‌ای که مطرح شده است، انجام دهد. اینکه دکتر حبشی فرمودند، گپ سازمان اقتناع افکار

عمومی است، مهم است. سازمان در این زمینه بسیار ناتوان ظاهر شده است. افق آینده، افقی است که باید به مردم توجه کرد و حرف آنها را شنید. اینکه سازمان طرحی تهیه کند و مردم را در اجرای آن مشارکت دهد، به معنای مشارکت مردمی نیست. من معتقدم، مردم باید در تصمیم‌گیری طرح‌ها هم حضور داشته باشند. فقط باید به آنها توضیح داد، آنها را توجیه کرد و مسائل علمی را برایشان شرح داد. اگر مردم با استدلال علمی و کارشناسی توجیه شوند و در سیاست‌گذاری نیز مشارکت داده شوند، بهترین یاری‌رسان ما و منابع طبیعی خواهند بود و این همان تأکید SFM برای پایداری جنگل است.

طبیعت ایران: آقای دکتر یوسف‌پور، جناب‌عالی که در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، مسئولیت دارید، بیانات خود را، درمورد صحبت‌های دوستان گرامی و انتقادات مربوطه، همچنین موضوع جلسه مطرح بفرمایید.



دکتر یوسف‌پور (قائم‌مقام معاونت امور جنگل سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور)



ضمن عرض سلام و سپاس از برگزاری این نشست، چند نکته را مطرح می‌کنم. از نظر بنده، بهتر بود دوستان در چهارچوب صحبت کنند. بحث، درختان ریشه‌کن است نه مدیریت پایدار. همان‌گونه که دکتر شامخی هم فرمودند، می‌خواهیم از این جلسات خروجی داشته باشیم. همه مواردی که در این جلسه مطرح شد، موضوعات مهمی هستند که می‌توانند به تفصیل بررسی شوند. بنده سعی می‌کنم در سه بند مطالب خود را عرض کنم. بحث مدیریت جنگل را داریم، همه اتفاق نظر داریم که جنگل باید، مدیریت و نباید رها شود. طبیعی است برای مدیریت جنگل نیز به طرح نیاز داریم، طرحی که تهیه می‌شود، بدون تردید، باید قابلیت اجرایی داشته و واقعی باشد، هم در مرحله طراحی و هم در مرحله اجرا باید راه دسترسی داشته باشیم، درواقع نمی‌توان آن را توسط Monitoring انجام داد. پس اصل اساسی طرح، راه دسترسی است، چیزی که گذشتگان ما داشتند. در این مرحله، بحث درختان شکسته و افتاده مطرح نیست، بحث بازگشایی جاده‌های جنگلی است که به سمت وسوی دیگری رفت، بحث بازگشایی جاده و درختانی که برای مشاورین طرح‌ها و اجرای کار مزاحمت ایجاد می‌کردند، مطرح بود. این بحث دستخوش اعتراضات و مواردی شد که بهتر است اصل جلسه در همین رابطه پیگیری شود. همان‌گونه که می‌دانید جاده‌هایی که مدنظر است، جاده‌های درجه یک و دو و دسترسی آنهاست. اگر این جاده‌ها طی انجام کارهای حفاظتی و فنی طرح، نگهداری نشود، خود عامل تخریب جنگل خواهند بود. اگر احیا و بازسازی همین جاده‌ها به‌خوبی انجام نشود، موجب لغزش و رانش جاده خواهد شد که از عوامل تخریب جنگل‌ها هستند. پس نگهداری از این جاده‌ها لازم است، جاده‌هایی که سرمایه‌های دولت هستند و به آنها نیاز داریم. برای اینکه بتوانیم به یک طراحی واقعی از عملیات اجتناب‌ناپذیر در جنگل برسیم، هدفمان در این مرحله

بازگشایی جاده‌هاست. موضوع درختان شکسته و افتاده، که دکتر شامخی و دکتر سفیدی به آن اشاره کردند، یکی از برنامه‌های طرح تفصیلی خواهد بود، درختان شکسته و افتاده از نظر کارشناسی موضوع مهمی است. از سال ۹۶، هیچ‌گونه بهره‌برداری از جنگل انجام نشده و بحث رویش جنگل مطرح شده است، بنابراین، باید فکری به حال آن شود. مقدار رویش با توجه به شرایط جنگل در سطح‌های مختلف، تغییر می‌کند، طراح جنگل، هنگام طراحی آن، باید هم از آموزش دانشگاه و هم از موارد دیگر ایده بگیرد و به همه این موارد نیاز دارد، درواقع، به این شکل نیست که بگوییم ۵ تا ۱۰ درصد کافی است، هرچند، بخش کارشناسی سازمان نقطه‌نظرات خود را دارد، ما تمایل داریم، بخش تحقیقات هم در این زمینه با ما همکاری نماید تا بتوانیم به سطوح قابل‌قبولی برسیم، این بخش با توجه به اینکه قانون دارد، مشکل خاصی ندارد. امیدواریم، به‌زودی یکی از همین طرح‌های تفصیلی ارائه شود، درضمن، همین درصدهایی از درختان ریشه‌کن و افتاده، که باید در جنگل باقی بمانند، می‌تواند کانون آفات و امراض باشند، کانون آتش‌سوزی باشند و بحث کربن به طبیعت هم می‌تواند یکی از موضوعات جهانی باشد. اینها نیز، باید با یک نظام بهره‌برداری صحیح از جنگل خارج شوند.

بحث سوم، مهم‌ترین بحث است، دغدغه‌هایی که از گذشته مطرح بوده است، از سال ۹۶ به بعد، در قانون برنامه ششم، طیفی طرفدار بهره‌برداری از جنگل هستند که به‌عنوان یک فرایند در نظر گرفته می‌شود، بهره‌برداری، آخرین زنجیره دخالت در جنگل است. دسته دوم مخالف بهره‌برداری هستند، یکی از دلایل، شاید در ارتباط با همین موضوع باشد، افرادی را به جنگل وارد کردیم که روحیه پیمانکاری داشتند و بعدها دخالت‌های ناموزونی در جنگل انجام دادند. این مورد البته، قابلیت اصلاح داشت که باید انجام می‌شد. در یک مقطع زمانی شرایطی، ایجاد و در پی آن، قانونی وضع شد، سازمان نیز برای برون‌رفت از شرایط فعلی راهکارهایی دارد. درواقع، به محض اینکه طرح‌های تفصیلی انجام شد،

سازمان باید دو کار انجام دهد، بخش‌هایی را که در کوتاه‌مدت و با منابع داخلی خود می‌تواند انجام دهد و بخش‌هایی که نیاز به مرحله برون‌سپاری و مقاطعه‌کاری دارد، اگر مجریان و پیمانکاران تجربه کافی ندارند، بهتر است کار را با تدابیر، اقدامات ویژه و نظارت بر آنها انجام داد. این قانون وجود دارد که درآمد حاصل از جنگل برای جنگل استفاده شود. طرفداران دو دسته هستند: افرادی که طرح تنفس را مطرح می‌کنند و افرادی که طرح جنگل‌داری مبتنی بر تولید چوب را مطرح می‌کنند. برای برون‌رفت از بحث دوم، از مجریان طرح‌هایی استفاده می‌کنیم که برای مدیریت آنها، صلاحیت داشته باشند. بخش اول را نیز می‌توان با مدیریت امانی مقاطعه‌کاری انجام داد. به‌جای اینکه نقدینگی به‌طور مستقیم وارد اعتبارات شود، بخشی از آن از منابعی مانند همین درختان ریشه‌کن و افتاده و چوب حاصل از زراعت چوب تأمین می‌شود که استان گیلان درآمد خوبی در مورد اخیر دارد. این موارد می‌توانند به کشوری که در حال حاضر با مشکلات اقتصادی مواجه است، کمک کنند. ماده ۳، بنا به دلایلی که عرض کردم، هرچند نمی‌تواند عمومیت داشته باشد یا شاید انجام آن کمی دشوار باشد، ولی اگر سازمان به فکر توسعه جنگل است، شاید بتوان صندوقی تشکیل داد که اعتبارات به‌طور مستقیم وارد آن و سپس وارد فاز امانی و مقاطعه‌کاری شود، تا درنهایت بتوان از آن برای جنگل هزینه کرد، یعنی درآمد جنگل برای جنگل استفاده شود. در این رابطه لازم است، افرادی را به‌عنوان مجری طرح جنگل‌داری انتخاب کنیم، دانش، تخصص و تعهد داشته باشند.

درمجموع، می‌توانیم برنامه‌ریزی‌هایی داشته باشیم که دغدغه علاقه‌مندان واقعی جنگل را حل کنیم، هم افرادی که به دانش جنگل بی‌اعتماد شده‌اند و هم افرادی که بحث طرح‌های جنگل‌داری مبتنی بر تولید چوب را قبول دارند، ضمن اینکه باید تأکید کنیم، طرح جنگل‌داری تنها مبتنی بر تولید چوب نیست، کارکردهای دیگری دارد که می‌تواند کمک کند. این در حالی است که حتی اگر پرورش جنگل براساس تولید چوب نیز باشد،





مغایرتی با کاهش سایر کارکردهای آن ندارد. جناب آقای دکتر علیزاده و آقای دکتر ثاقب‌طالبی لازم است تأکید کنم، برگزاری جلساتی از این دست با دستور جلسه خاص، امکان طرح همه موضوعات را فراهم خواهد کرد. طرح‌ها باید حاوی برنامه‌ریزی و مدیریت مناسب برای جنگل باشند. مشکل و دغدغه ما هم‌اکنون، بازگشایی تعدادی از جاده‌هاست. درواقع، ما می‌خواهیم جاده را برای دسترسی باز کنیم (نه جاده‌های درجه ۳ برای مسیر چوب‌کشی) تا بتوانیم کارهای احیایی را در جنگل انجام دهیم. چوبی که از جنگل خارج می‌شود باید به فروش برسد، دستور کار سازمان، فروش چوب‌های کنار جاده است، به‌طوری‌که آنها را به‌صورت مقاطعه‌کاری در اختیار سایرین قرار دهد، در پایان، به فرمایش دوستان اشاره می‌کنم که کاملاً درست فرمودند، ما در مسائل حفاظتی با مشکلات بسیاری مواجه هستیم. ضروری است به تک‌تک موضوعاتی که دوستان مطرح کردند، توجه شود، بی‌شک، به‌تنهایی هیچ‌کدام را نمی‌توان انجام داد.



طبیعت ایران: جناب آقای دکتر فلاح، نظر جناب‌عالی در مورد برنامه مدیریت جنگل و برداشت درختان شکسته و افتاده چیست؟

دکتر اصغر فلاح (عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری) ضمن

عرض سلام خدمت حضاران این نشست، بنده نیز، در اینجا، به‌عنوان یک جنگلبان، مواردی را در بحث مدیریت پایدار و درختان شکسته و افتاده در جنگل مطرح می‌کنم. طی هفته‌های گذشته این مباحث در جلساتی با دعوت آقای دکتر شعبانی و حضور آقای دکتر ثاقب‌طالبی مطرح شد، از نظر من، اگر بخواهیم مباحث آن جلسات را به نتیجه برسانیم، باید همه بزرگواران حضور داشته باشند. ابتدا به وضع جنگل‌های شمال بعد از تنفس اشاره می‌کنم. واقعیت این است که جنگل‌های ما رهاشده و بدون برنامه هستند. قاچاق به‌شدت در این جنگل‌ها بیدار می‌کند، طی چند روز گذشته، هفت نفر از قرقبان‌های منطقه ساری مجروح شده‌اند. چرا این اتفاق می‌افتد؟ سازمان نه اعتبار کافی دارد نه نیروی کافی که در جنگل حضور داشته باشد، جنگل‌هایی که کارشناس و نیروی کافی ندارند، به محل‌های امنی برای قاچاق تبدیل شده‌اند. باید، به‌طور علمی با کارکردهای مختلف اکوسیستمی، برخورد و با توجه به پتانسیل و ظرفیت موجود برای هر جنگل تصمیم‌گیری شود. در این مسئله شکی نیست، سازمان برنامه‌مبوده به‌سختی به برنامه‌ها و طرح‌ها اعتبار اختصاص می‌دهد. بیش از ۶ سال است که در سمت معاونت اداری-مالی دانشگاه مشغول به کار هستم، از بیست و پنجم هر ماه، در حال مذاکره بر سر مسائل مالی با سازمان مدیریت و برنامه هستیم. تاکنون، جلسات متعددی برای تهیه طرح‌های نیمه‌تفصیلی و تفصیلی در چالوس و در محل سازمان برگزار شده است، در این مرحله به‌دنبال تهیه اطلاعات هستیم و امیدواریم که هرچه زودتر این اتفاق بیفتد. برای مثال، براساس داده‌های موجود، تراکم جاده در واحدهای موردنظر، کمتر از ۱۰ مترمکعب در هکتار است، درحالی‌که این تراکم، در کشورهای پیشرفته و اروپایی بیشتر از این مقدار است. جاده تنها برای بهره‌برداری نیست، برای دسترسی به عرصه است. وضعیت سازمان جنگل‌ها براساس تعداد نیروی انسانی، بسیار نامناسب است و در آینده نه‌چندان دور، تهی از کارشناس خواهد بود. ما کارشناسان شما را تربیت می‌کنیم، کارشناسان امروز کیفیت ندارند. درواقع، اگر سازمان جنگل‌ها بخواهد کار جنگل‌داری را دوباره شروع کند، کار ساده‌ای پیش‌رو ندارد، از نظر بنده، دغدغه

درختان شکسته و افتاده، باوجود همه بحث‌های مطرح‌شده، در برنامه هفتم به‌صورت یک قانون آمده است که باید انجام شود، متأسفانه، شرایط کنونی در جنگل‌ها، به‌هیچ‌وجه مناسب نیست.



طبیعت ایران: جناب آقای دکتر صادقی، لطفاً نظرات خود را در مورد موضوع جلسه و نظرات ارائه‌شده مطرح فرمایید.

دکتر سیدموسی صادقی (عضو هیئت‌علمی بخش تحقیقات جنگل مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور)

بنده به‌طور مختصر و مستقیم به موضوع مطرح‌شده می‌پردازم. تصور کنیم، فردا مجوز برداشت درختان شکسته و افتاده براساس استانداردهای موجود، صادر شود و این درختان براساس مجوز برداشت شوند، پرسش بنده این است، چند درصد از اهداف مدیریت پایدار جنگل محقق خواهد شد؟ مدیریت پایدار جنگل، شاخص‌ها و ضوابط خاص خود را دارد که جزئی از آن می‌تواند موضوع موردبحث باشد. بنده پیشنهاد می‌کنم، بیشتر بر تقویت امکانات سازمان منابع طبیعی کشور تمرکز کنیم تا بتواند در درجه اول حفاظت را به‌خوبی انجام دهد. اگر در دوره‌های مختلف و هم‌اکنون شاهد قاچاق چوب هستیم (البته که شدت و ضعف آن در دوره‌های مختلف یکسان نبوده است)، امکانات حفاظتی و قرقبان می‌تواند، مهم‌ترین دلیل آن باشد. آمار امروز تفاوت بسیاری با آمار گذشته دارد، زیرساخت‌هایی که در امر حفاظت از جنگل استفاده می‌شوند، چقدر تجهیز شده‌اند؟ موضوع

بعدی در ارتباط با احیا و توسعه جنگل است. بخشی از جنگل‌های هیرکانی جزو جنگل‌های غیرتجاری هستند که باید بر احیا و توسعه آنها تمرکز شود که ضوابط و امکانات خاص خود را نیاز دارد. از نظر بنده، چون این موارد با تأمین اهداف مدیریت پایدار جنگل هم‌سو هستند، در صورتی که بتوان آنها را در قالب یک بسته دید، حتماً درختان شکسته و افتاده هم دیده خواهند شد. به اعتقاد بنده، اگر امروز، به‌طور مستقیم بر درختان شکسته و افتاده تمرکز کنیم، چند سال بعد مشکلاتی به وجود خواهد آمد، همان‌طور که در زمان طرح تنفس جنگل هم مواردی دیده شده بود، بعد می‌توانیم برگردیم و آنها را اصلاح کنیم. بهتر است گزارشی از کارهای انجام‌شده و انجام‌نشده سازمان منابع طبیعی ارائه شود، بنده پیشنهاد می‌کنم مسائل به‌صورت یک بسته دیده شوند، اینکه به‌صورت خاص، تنها درختان شکسته و افتاده مدنظر باشند، مشکل را حل نخواهد کرد و شاید مشکلات دیگری را نیز مانند افزایش قاچاق چوب به‌دنبال داشته باشد. اگر امروز مشکل قاچاق چوب وجود دارد، بی‌شک، سازمان در زمینه تأمین امکانات برای حفاظت جنگل مشکل دارد، اگر آنها تقویت شوند به مدیریت پایدار جنگل نیز کمک می‌کند.



طبیعت ایران: آقای دکتر اخوان، شما در سال‌های گذشته طرحی در مورد پایش جنگل‌های هیرکانی داشتید و برآوردی از موجودی جنگل در قسمت‌های مختلف ارائه دادید که ممکن

است به موضوع جلسه هم مرتبط باشد. نظرات جناب‌عالی در مورد موضوع جلسه و برداشت درختان شکسته و افتاده چیست؟

دکتر رضا اخوان (عضو هیئت علمی بخش تحقیقات جنگل مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور)

اینجانب مخالف برداشت درختان شکسته و افتاده در شرایط کنونی هستم. البته باز کردن جاده‌های جنگلی مشکلی ندارد و اگر درختان شکسته و افتاده در مواردی موجب مسدود شدن جاده‌های ارتباطی داخل جنگل شده‌اند، باید برداشته شوند تا جاده برای تردد باز شود، ولی خروج درختان شکسته و افتاده از جنگل موضوعی متفاوت است که بنده به سه دلیل با آن مخالفم:

۱- دلیل اکولوژیک: طبق آخرین آمار سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، موجودی حجمی جنگل‌های هیرکانی به‌طور متوسط حدود ۲۸۰ مترمکعب در هکتار است. براساس نظر جنگل‌شناسان و اکولوژیست‌های جنگل، که در همین جلسه هم مطرح شد، حداقل ۱۰ درصد از این مقدار باید به‌صورت درخت سرپا یا افتاده در جنگل باقی بماند تا سلامت جنگل به خطر نیفتد. چون این درختان شکسته و افتاده، مأمن حیات‌وحش، حشرات و سایر موجودات زنده جنگل بوده و باقی‌گذاشتن آنها در جنگل برای حفظ این اکوسیستم ضروری است. ۱۰ درصد ۲۸۰ مترمکعب در هکتار، ۲۸ مترمکعب در هکتار است که اگر این مقدار را در مساحت حدود ۲ میلیون هکتار جنگل‌های هیرکانی ضرب کنیم، به عدد ۵۶ میلیون مترمکعب چوب شکسته و افتاده در سطح جنگل‌های هیرکانی می‌رسیم، این مقدار، حداقل مقدار مورد نیاز است. حال پرسش این است، آیا واقعاً این مقدار چوب شکسته و افتاده در کف جنگل‌های هیرکانی وجود دارد؟ این رقم، عدد بسیار بزرگی است و من فکر نمی‌کنم، چنین حجمی از چوب در کف جنگل‌ها به‌صورت شکسته و افتاده وجود داشته باشد. بنابراین، چون آمار دقیقی از مقدار این نوع چوب‌ها وجود ندارد، ابتدا باید مقدار آن مشخص شود که خود نیازمند وجود طرح جنگلداری است.

۲- دلیل اقتصادی: با فرض اینکه به اندازه کافی چوب شکسته و افتاده در کف جنگل وجود دارد،

این پرسش مطرح می‌شود، پراکنش این درختان شکسته و افتاده در جنگل به چه شکل است؟ آیا متمرکز هستند یا پخش و پراکنده؟ الگوی پراکنش آنها به چه صورت است؟ خوشه‌ای است یا تصادفی؟ اگر پراکنش آنها به‌صورت خوشه‌ای و متمرکز نباشد، آیا خروج آنها از نظر اقتصادی، با توجه به هزینه‌های سنگین ماشین‌آلات جنگل مقرون به‌صرفه است؟ درجات پوسیدگی آنها چگونه است؟ چند درصد از آنها دارای درجات پوسیدگی ۱ و ۲ (از ۶ درجه موجود) هستند که از نظر اقتصادی ارزش خروج و بیرون آوردن از جنگل را داشته باشند؟ اینها همه اطلاعاتی است که مورد نیاز است ولی وجود ندارد و پاسخ آنها به وجود طرح جنگلداری بستگی دارد.

۳- دلیل اجتماعی: همه باید قبول کنیم، در حال حاضر در یک جامعه نرمال از نظر اقتصادی زندگی نمی‌کنیم و بیشتر مردم از جمله حاشیه‌نشینان جنگل از نظر اقتصادی در مضیقه هستند. حتی هم‌اینک که ممنوعیت برداشت چوب در جنگل وجود دارد، شاهد قاچاق چوب هستیم. حال کافی است، مجوز قانونی برداشت درختان شکسته و افتاده نیز به دستگاه اجرایی داده شود، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ بدون تردید، قاچاق چندین برابر خواهد شد، شاید ۱۰ برابر شود. در حال حاضر، هر چوبی که از جنگل خارج شود، قاچاق و قابل پیگیری است، ولی بعد از صدور مجوز خروج درختان شکسته و افتاده مطمئن باشید، روزانه درخت شکسته و افتاده توسط مردم محلی در جنگل، تولید و به بهانه اینکه جزو درختان شکسته و افتاده هستند، از آنجا خارج خواهد شد که قابل کنترل هم نخواهد بود.

امروز و پس از گذشت ۸ سال از اجرای قانون تنفس (استراحت) جنگل، هنوز طرح‌های جایگزین برای جنگل‌های شمال کشور تهیه نشده است، اولویت حال حاضر، تهیه طرح‌های جایگزین است. پیش‌کشیدن بحث امکان خروج درختان شکسته و افتاده اصولاً محلی از اعراب ندارد و یک بحث فرعی و پیش‌پاافتاده تلقی می‌شود. هم‌اکنون سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور باید تمام انرژی و وقت خود را صرف تهیه و اجرای طرح‌های جایگزین طرح‌های قبلی در جنگل‌های هیرکانی نماید.



بهره‌برداری چوب از طرح‌های جنگل‌داری و تنها توقف قطع درختان بود، درواقع، قرار بود سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، کمبود درآمد حاصل از فروش چوب‌های قطع‌شده را از بودجه‌های دولتی برای اداره طرح‌ها تأمین کند که متأسفانه این اتفاق نیفتاد و درنهایت به وضعیت کنونی رسیدیم.

آقای دکتر سفیدی فرمودند تنفس، منجر به افزایش حجم سرپا شده است، بنده فکر نمی‌کنم این اتفاق افتاده باشد. آقای دکتر، جناب‌عالی خودتان استاد محاسبه رویش هستید، در جنگل یک سرمایه داریم، یک رویش، تا وقتی که سرمایه‌ای نداشته باشید، نمی‌توانید این را بگویید. سرمایه جنگل در اینجا، زیر تیغ قاچاقچی است، درواقع چوب قطوری وجود ندارد که رویش داشته باشد. چیزی که ما داریم، درختان جوانی هستند که در این ۱۷ سال به این حجم نمی‌رسند.

طبیعت ایران: جناب آقای دکتر سهرابی، جناب‌عالی نیز تحقیقاتی را پیرامون درختان شکسته و افتاده داشته‌اید. لطفاً با توجه به کارهای انجام‌شده و نتایج به‌دست‌آمده، نظر خود را درمورد موضوع جلسه بیان فرمایید.

امکانات و مواهب و حتی خودروی در اختیار ناظر طرح جنگل‌داری، که از کارکنان سازمان منابع طبیعی است، توسط مجری و پیمانکار خصوصی اجرای طرح تأمین می‌شود، مشخص است که نظارت دچار مشکل خواهد شد. هرچند استثناء هم وجود داشت و مجریانی چون دانشگاه‌های دولتی و شرکت‌های بزرگ چوب و کاغذ در شمال کشور وجود داشتند که به‌درستی به تعهدات خود عمل می‌کردند و فقط به فکر برداشت چوب و نفع مادی خود نبودند، در مقابل، مجریان زیادی هم بودند که فقط در قالب یک پیمانکار قطع و برداشت چوب عمل می‌کردند و هیچ‌وقت دلشان برای جنگل نمی‌سوخت. به همین دلیل، در سال‌های آخر منتهی به اجرای قانون تنفس جنگل، حدود یک میلیون هکتار از جنگل‌های شمال کشور طرح جنگل‌داری نداشتند، یا اگر طرح داشتند، مجری نداشتند، چون هیچ مجری و پیمانکاری حاضر نبود، مسئولیت اجرای طرح جنگل‌داری را در حوزه‌ای بپذیرد که چوب صنعتی فراوان ندارد و مخروطه یا نیمه‌مخروطه است، وقتی قانون تنفس تصویب شد، خشک و تر با هم سوختند و یک‌باره همه طرح‌ها تعطیل شدند. البته هدف قانون تنفس، تعطیلی طرح‌های جنگل‌داری نبود، بلکه فقط حذف قسمت

سپس و در قالب این طرح‌های جدید می‌توان از اطلاعات به‌روز آنها به این پرسش‌ها پاسخ داد: چه مقدار چوب شکسته و افتاده در جنگل وجود دارد؟ چه درجاتی از پوسیدگی دارند؟ به چه صورت در جنگل پراکنده شده‌اند؟ آیا خروج آنها از جنگل مقرون‌به‌صرفه است؟ و سؤالاتی از این قبیل ...

از ابتدای تصویب قانون تنفس جنگل، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور موضع رسمی خود را در موافقت با این قانون اعلام کرد و همان زمان هم به‌طور رسمی اعلام کرد که اجرای قانون تنفس جنگل نیازمند ملزوماتی از جمله تهیه طرح‌های جایگزین، جلوگیری از قاچاق چوب، خروج دام از جنگل، واردات چوب، زراعت چوب و سایر موارد است. در حال حاضر، خواسته جامعه علمی کشور و افکار عمومی جامعه از سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور پاسخ به این پرسش است؟ چرا این سازمان پس از گذشت ۸ سال از اجرای قانون تنفس جنگل نتوانسته است طرح‌های جنگل‌داری جایگزین را تهیه و اجرا نماید؟

اشکال موجود در اجرای طرح‌های جنگل‌داری در گذشته، ضعف نظارت بود که درنهایت منجر به تعطیلی طرح‌های جنگل‌داری شد. وقتی



دکتر هرمز سهرابی (عضو هیئت علمی گروه جنگل‌داری دانشگاه تربیت مدرس) بنده از این جلسه اطلاعی نداشتم و بنا نبود عرض خاصی داشته باشم، اما چون مواردی طرح شد که به تحقیقات اینجانب اشاره داشت، عرایضم را مطرح می‌کنم. ابتدا بر مستند بودن همه آمار و ارقام ارائه شده تأکید دارم، نباید بر اساس شنیده‌ها و گفت‌وگوهای خودمانی بر آمار و اطلاعاتی اتکا کنیم که در تصمیم‌گیری‌های مهم نقش دارند. همان‌طور که می‌دانید، مقدار موجودی جنگل معمولاً به دو صورت موجودی در کل عرصه‌های جنگلی و موجودی در عرصه‌های دارای درختان بالاتر از حد شمارش (۱۲/۵ سانتی‌متر) مطرح می‌شود، چراکه از نظر مدیریتی این دو عدد می‌توانند نقش‌های متفاوتی داشته باشند. اختلاف ۵۰ مترمکعبی مطرح شده در این گفت‌وگو توسط همکاران محترم، به دلیل مقایسه موجودی در هکتار در عرصه جنگلی در ۱۳۸۵، با موجودی در هکتار در جنگل با قطر بیش از ۱۲/۵ سانتی‌متر در ۱۴۰۳ است که قیاس مع‌الفارق است. موجودی کنونی در عرصه جنگلی حدود ۲۶۲ مترمکعب است که افزایش مقدار موجودی روندی منطقی بوده و در فاصله دو دوره قبلی نیز تقریباً همین مقدار

انباشت حجم رخ داده است.

درمورد برداشت غیرقانونی چوب از جنگل‌های شمال باید بگویم، میزان قاچاق به‌ویژه در جنگل‌کاری‌ها به‌کرات بیشتر از میزان برداشتی است که در سال‌های منتج به استراحت جنگل برداشت انجام می‌شده است. از نظر بنده اگر بناست چوبی از جنگل خارج شود، باید توسط سازمان باشد، نه قاچاقچیان چوب. درخصوص برداشت یا عدم برداشت درختان شکسته و افتاده در کنار جاده نیز، از نظر بنده، طرح این سؤال به این صورت اشتباه است. سؤال درست این است، چه کسی برداشت کند؟ سازمان یا قاچاقچی چوب؟ چون این درختان جز در مواردی خاص در کنار جاده و حتی اعماق جنگل برداشت می‌شوند.

درمورد گرفتن بودجه برای حفاظت از ۲ میلیون هکتار جنگل، با توجه به مساحت و مرز جنگل، که باید حفاظت شود و از طرفی با توجه به نیاز چوبی و قیمت چوب، به نظر می‌رسد این مهم دست‌نیافتنی است. در شرایط اقتصاد کنونی کشور، ایجاد فشار بیشتر اقتصادی بر دولت و به‌قول معروف، گذاشتن کل تخم مرغ‌ها در سبد بودجه دولتی، جز نابودی عرصه‌های جنگلی و قاچاق چوب ثمر دیگری در بر نخواهد داشت.

طبیعت ایران: جناب آقای دکتر فخاری، جناب‌عالی که از مدیران سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور هستید و از نزدیک با مشکلات و چالش‌های منابع طبیعی در کشور آشنا هستید، لطفاً مطالب خود را درمورد نظرات و انتقادات دوستان، همچنین موضوع جلسه بیان کنید

دکتر فخاری (مدیرکل دفتر جنگل‌داری و امور بهره‌برداری سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور)

ضمن عرض سلام خدمت همکاران محترم، جمع‌بندی همه مطالبی که عزیزان فرمودند این است که منابع طبیعی باید مدیریت شود. دغدغه اصلی بنده نیز بحث مدیریت است. ما طرحی را در گذشته داشتیم که به هر دلیل با مشکلاتی مواجه شد و خاتمه یافت. در آن موقع قرار بود ۴۷ درصد فعالیت‌های طرح‌های جنگل‌داری (بهره‌برداری) متوقف و تأمین اعتبار شود ولی ۵۳ درصد دیگر (فعالیت‌های فنی و حفاظتی اجتناب‌ناپذیر) نباید متوقف می‌شد (توقف بهره‌برداری از جنگل آری، ولی رهاکردن جنگل هرگز). زیرساخت‌هایی که عزیزان فرمودند، دستاوردهایی است که طی



۶۰ سال مدیریت جنگل به جنگل داده شده، چهارچوب طرح هم از همان ابتدا خوب تعریف شده است. درواقع، مشکل اصلی طرح جنگل‌داری در آن دوران این بود که متناسب با زمان پیش نرفت. انتخاب مجری، نظارت و مهم‌تر اینکه از سال ۱۳۸۰ به بعد کارشناس تربیت نکردیم. به هر دلیلی این طرح‌ها متوقف شدند، اما قرار بود ۵۳ درصد کار مانند مرمت و بازسازی جاده‌های جنگلی، نگهداری، حصارکشی، عملیات مراقبتی و عملیات پرورشی در اولویت نخست قرار بگیرند. از این رو، از همان ابتدا (در سال ۹۶) که این موضوع مطرح شد، ۱۴۰ میلیارد تومان پیش‌بینی کردیم. ۱۰۰ میلیارد تومان مربوط به حقوق و دستمزد نیروهای قربان و حفاظتی بود که آن موقع ۲۰۰۰ نفر بودند، ۴۴ میلیارد هم مربوط به اولویت‌های فنی و حفاظتی بود. درواقع، اولویت‌بندی شده بود، اما تاکنون و باوجود تلاش‌هایی که انجام شده، حتی یک ریال هم اختصاص داده نشده است. تلاش‌های بسیاری برای تأمین اعتبار برای مرمت، بازسازی و حصارکشی انجام شد، با این وجود، تنها در سال ۱۴۰۲، در موافقت‌نامه ۷۰ میلیارد تومان دیده شد، در نهایت هم توانستیم فقط ۷ میلیارد تومان و آن هم براساس اوراق قرضه ۳ ساله بگیریم، با همین مقدار فقط بخشی از جاده‌ها مرمت شدند.

دغدغه درست بسیاری از عزیزان، برداشت درختان شکسته و افتاده در داخل جنگل است. همان‌طور که همه می‌دانیم، برای جنگل و باهدف برداشت درختان ریشه‌کن و شکسته و افتاده، طرحی تهیه نمی‌شود. گفته شد طرح قبلی ایراد دارد و باید قالب طرح به قالب سند راهبردی تغییر کند. در اجلاس برگزار شده در سال ۱۳۷۷ در تهران مصوب شد، کشورهایی که زیر ۱۰ درصد جنگل داشتند، باید تغییر رویکرد دهند و این مبنای طرح صیانت در سال ۱۳۸۲ شد که آقای مهندس جباری هم به آن اشاره فرمودند. از طرفی، به سازمان نیز تکلیف شد، طرح تهیه کند، در صورتی که تهیه طرح به این راحتی نیست. طرح دارای چهارچوب و برنامه‌های خاص است، بیلان

دارد، برنامه‌ریزی دارد، چه داریم؟ و چه خواهیم داشت؟ همچنین، به سازمان تکلیف شد، طرح باید پایدار باشد. پایداری نیز تعریف دارد، دکتر لطفعلیان فرمودند، مباحث اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی باید مدنظر قرار گرفته شوند. پس باید طرحی تهیه شود که پایدار باشد، با توجه به شرایط کنونی (کمبود نیروی انسانی متخصص، منابع مالی و کمبود ظرفیت پیمان) آیا می‌توان طی یک، یا دو سال برای حداقل ۴۳۰ سری طرح تهیه کرد؟! با چه ابزار و چه اعتبار مالی می‌توان این کار را انجام داد؟! براین اساس، طی سال‌های اخیر سازمان، نقشه راهی تهیه کرده بود تا بتواند براساس آن طرح مدیریت پایدار را تهیه کند. در نتیجه، از سال ۹۶ همکاران دانشگاه، مؤسسه تحقیقات، نخبگان، بازنشسته‌ها و همکاران سایر سازمان‌ها، بدون کوچک‌ترین چشمداشتی، با ما همراه شدند و دست ما را گرفتند و سازمان را در تهیه سیاست کلی، اصول طراحی و شرح خدمات و دستورالعمل کمک کردند. اما، طرح مدیریت پایدار، یک طرح فرایندی است که چهار فاز دارد و اگر این چهار فاز را با هم نداشته باشد، مدیریت پایدار نیست، فرایند آن مانند حلقه‌های زنجیر است. اولین فاز آن مقدمات است، یعنی در شرح خدمات لازم بود مروری بر کارهای قبل انجام شود. سپس، براساس معیارها و شاخص‌های پایداری، شرح خدمات، تهیه و به‌عنوان سند راهبردی به معاونت امور جنگل ابلاغ شد. پس‌از آن برای تهیه دستورالعمل برنامه‌ریزی کردیم. یکی از ایرادات وارد شده به طرح‌های قبلی، تک‌نسخه بودن طرح برای همه جنگل‌ها بود، برای همین مقرر شد جنگل از نظر توان اکولوژی ارزیابی شود، بنابراین، مطالعات نیمه‌تفصیلی باهدف ارزیابی توان اکولوژیک و تعیین کاربری درخور تهیه شدند. این کار را با دقت بالایی از طریق روش فازی در کلیه حوزه‌های آبخیز انجام دادیم. با انجام این کار، امروز مرز اکولوژیک جنگل و مرتع مشخص است، ظرفیت‌های داخل جنگل نیز مشخص است، یعنی کجا ذخیره‌گاه است، کجا باید حفاظت شود و کجا باید آبی‌پروری و منابع آبی و ... باشد. به‌عنوان مثال، نتایج نشان دادند، ۶۰ درصد از جنگل‌ها، توانایی

جنگل‌داری دارند، ۲۱ درصد حفاظتی، ۲/۵ درصد حمایتی و حدود یک درصد ذخیره‌گاه هستند و بقیه جنگل‌ها، سایر کاربری‌ها را دارند. تا به اینجا، توان اکولوژی را ارزیابی کرده‌ایم و می‌دانیم در کجا باید چه کاری را انجام دهیم، طرح ذخیره‌گاه را، در ذخیره‌گاه‌ها و طرح تفرج را در مناطق تفرجی اجرا می‌کنیم. اما رویکرد ما در تهیه طرح جنگل‌داری، استفاده از همه خدمات جنگل‌داری و هدفمان بهینه‌کردن خدمات‌رسانی و پایداری اکوسیستم جنگل است، در این رابطه، در برخی موارد بحث پرورش جنگل مطرح می‌شود و ما ناچار به دخالت هستیم، البته نه به این معنی که، با نگاه بهره‌برداری به داخل جنگل برویم، هدف ما رویکرد اکوسیستمی و ارتقای کمی و کیفی توده است، برای نمونه، در بعضی جاها، ۲۰ هکتار جنگل‌کاری سنواتی داریم که به مرحله تیر و تیرک رسیده‌اند و از حد شمارش هم عبور کردند، ضریب قدکشیدگی بالاست، بنابراین، مدیریت و تنظیم این توده ضروری است، تا میزان پایداری افزایش یابد، یا مثلاً درختان زیادی در بخشی از جنگل ریشه‌کن شده‌اند، یعنی یک آشفتگی روی داده است، دلیل آن چیست؟ باید مشخص شود، این آشفتگی ناشی از اقلیم است، یا ناشی از حرکت زمین است. برای همه این موارد و نیز موارد مشابه، باید راه‌حل داشته باشیم. رویکرد سازمان اکوسیستمی است، هر جا که اکوسیستم به ما اجازه دهد، می‌توانیم در آن دخالت کنیم. جنگل مهم‌ترین و انعطاف‌پذیرترین اکوسیستم روی زمین است. در اکوسیستم جنگل، وجود یک نگرش، کارایی ندارد و هر جایی باید نگرش و کارایی خودش را داشته باشد. بنده نه می‌توانم بگویم برداشت چوب درست است، نه می‌توانم بگویم اشتباه است. در اینجا لازم است یادآوری کنم، ما نقشه راه داریم، برنامه‌ریزی داریم، برای آینده هم، برنامه داریم، درست است که از نظر منابع مالی با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستیم، ولی تهیه طرح مدیریت پایدار در ناحیه هیرکانی، اولویت اصلی سازمان است، چراکه می‌دانیم در گذشته، چه چیزی داشتیم و هم‌اینک چه

داریم، می‌دانیم که جنگل از بی‌مدیریتی رنج می‌برد. برای تهیه طرح تفصیلی، باید چند آیتم مطالعه و بررسی شوند، مهم‌ترین آن بیومتری یا زیست‌سنجی است. در گذشته برای یک توده، فقط موجودی سرپا داشتیم، هم‌اکنون، در هر پارسل، چهار موجودی در هکتار داریم، موجودی در هکتار درختان شکسته و افتاده، موجودی در هکتار درختان خشک‌دار، موجودی در هکتار کل درختان و موجودی در هکتار توده دست‌کاشت (در صورت وجود)، بر همین اساس، مونه‌بندی کرده‌ایم. به عبارت دیگر، جنگل دست‌کاشت

ایجاد شده است. در این مورد، بحث مشارکت را مطرح کردیم. سازمان در این مسئله هم، نقشه راه مشخصی دارد، اما مشکلات سازمان در تهیه طرح چیست؟ سازمان برای تهیه طرح جنگل‌داری، آگهی داد و تنها شش متقاضی، در این فراخوان شرکت کردند، یک شرکت هم‌زمان در گیلان، ساری و نوشهر برنده شد. برای آگاهی بیشتر عرض می‌کنم، در آگهی درج می‌کنیم، برای تهیه طرح، هکتاری ۳۵۰ هزار تومان می‌دهیم، این مبلغ، در مساحت ضرب می‌شود، بنابراین، تنها شرکت‌هایی می‌توانند اعلام آمادگی کنند که رتبه یک

سال طول می‌کشد، تا آن را تخصیص دهند، بنابراین، ارزش پول کاهش می‌یابد. در این رابطه، نیاز به همکاری را به برخی از دانشگاه‌ها اعلام کردیم، که متأسفانه از نظر آنها، این کار برایشان به صرفه نبود. به‌طور کلی، برای حل مشکلات یادشده، یعنی هم کاهش هزینه و هم جبران نابسامانی‌های مالی، راهکار ارائه‌شده توسط سازمان و معاونت امور جنگل مدنظر قرار گرفت، یعنی در کنار انجام مطالعات به روش پیمانی، مطالعات را به صورت امانی - پیمانی نیز انجام



را از جنگل طبیعی جدا کرده‌ایم. شدت آماربرداری ما در گذشته ۳/۳ درصد بود، امروزه برای جنگل‌های دست‌کاشت از یک شبکه آماری مجزا با شدت یک درصد و برای جنگل‌های طبیعی از یک شبکه آماری دیگر با شدت ۵ درصد استفاده می‌کنیم. در مسائل اجتماعی اقتصادی نیز تغییر زیادی

دارند و این موضوع، برای این حوزه محدودیت ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، محدودیت ظرفیت پیمانی داریم. مشکل بعدی، اتمام هم‌زمان همه طرح‌هاست، به‌طوری‌که، نمی‌توان برای همه آنها، هم‌زمان طرح تهیه کرد، امروز، در قالب موافقت‌نامه، اعتبار مورد نیاز پیش‌بینی می‌شود، اما یک

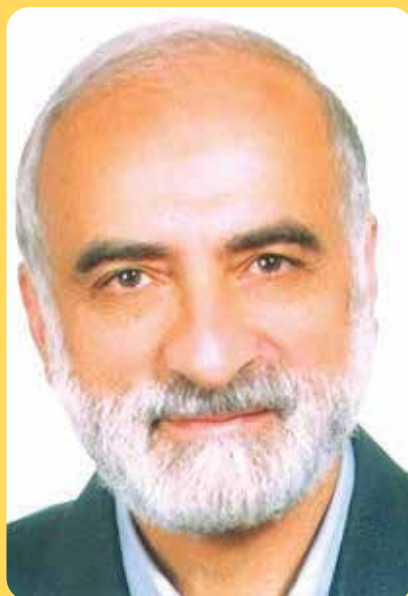
دهیم، همان چیزی که در دهه ۸۰ و پیش از آن مرسوم بود، پس، اساس تهیه طرح به شیوه امانی است، وقتی یک طرح، به صورت امانی تهیه شود، خود یک دانشگاه است که کارشناس، مهندس و مدیر تربیت می‌کند. در حال حاضر، برنامه سازمان شناسایی تعداد



۱۶۰ نفر مهندس جنگل و جذب آنها پس از فرایند سنجش علمی است، از این میان، تاکنون ۸۰ نفر جذب شده‌اند. نکته مهم اینکه، اگر تنها از روش پیمانی استفاده کنیم و با این سازوکار پیش رویم، انجام آن، حدود ۱۵ سال طول می‌کشد، که متأسفانه باوجوداین نایسامانی‌ها اصلاً امکان ندارد. از نظر سازمان در روش امانی، ضمن کاهش ۵۳ درصدی هزینه‌ها، هدف، با یک برنامه پنج‌ساله محقق خواهد شد. امیدواریم، این طرح، در صورت تأمین نیرو، امکانات و اعتبار بعد از ۵ سال برای همه جنگل‌های هیرکانی تهیه شود. هدف‌گذاری در حال حاضر برای دو سال آینده، ۴۵ حوزه آبخیز، حدود یک میلیون و ۲۵۰ هزار هکتار است، هم‌اکنون نیز، در حال تهیه طرح جنگل‌داری در ۲۲ حوزه آبخیز هستیم، امید است با تأمین اعتبار، همکاری دانشگاه‌ها و تکمیل نیرو به شیوه امانی بتوانیم، تهیه طرح را برای ۲۳ حوزه آبخیز باقی‌مانده نیز شروع کنیم. در گذشته، تعداد ۱۰۴ حوزه داشتیم که در نظر داریم، برای همه این حوزه‌ها طرح تهیه کنیم. مسئولیت تهیه طرح برای ۱۲ حوزه آبخیز، بر عهده مشاورین است، مقرر شد، دانشگاه نیز در تهیه طرح برای تعداد ۵ حوزه با ما همکاری نماید، درست است که مسائل مالی مهم هستند، خواهشمندم، دانشگاه‌هایی که اعلام آمادگی کرده‌اند و دانشگاه‌هایی که جنگل آموزشی دارند، برای این کار به ما کمک کنند، اگر این ۴۰ اکپ که ۱۶۰ نفر است، با همین برنامه جلو برود، برنامه هدفمندی خواهد شد. خوشبختانه آقای دکتر تیموری هم در حال پیگیری مسائل مالی و جذب نیرو هستند، درواقع، ضروری است از همه ظرفیت‌ها در دانشگاه‌ها، مؤسسات تحقیقات و شرکت‌های خصوصی و امانی در تهیه طرح استفاده کنیم. همان‌طور که دکتر یوسف‌پور هم فرمودند، هدف ما مرمت و بازسازی جاده‌های جنگلی است نه برداشت درختان ریشه‌کن، شکسته و افتاده داخل جنگل. درختان ریشه‌کن، شکسته و افتاده داخل جنگل هم باید در قالب طرح و با رعایت ملاحظات اکولوژیکی و اقتصادی برداشت شوند. البته که هیچ طرحی تنها

باهدف برداشت درختان شکسته و افتاده تهیه نمی‌شود، ممکن است در برخی مناطق، به‌دلیل بروز حوادث طبیعی پیش‌بینی‌نشده با انباشتی از درختان مواجه شویم که بهره‌برداری از آنها نیز سازوکار خاص خودش را دارد.

طبیعت ایران: آقای دکتر شامخی با توجه به مطالب ارائه‌شده از ابتدای جلسه و نظرات همکاران از بخش‌های مختلف، اگر مطلب دیگری دارید، بفرمایید.



دکتر تقی شامخی (عضو هیئت علمی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران)

بنده بسیار مشتاق بودم که صحبت‌های آقایان دکتر یوسف‌پور و دکتر فخاری را بشنوم، چون اصل داستان، مدیریت جنگل است. مطالب از سوی دوستان در نهایت تخصص و مهارت ارائه شد. بنده در سال ۱۳۴۴ از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده‌ام، از سال ۶۰، به‌عنوان مشاور با سازمان جنگل‌ها همکاری نزدیک داشته‌ام و با مسائل مربوط به اجرا بیگانه نیستم. اگر فرمایشات شما از زبان یک معلم شنیده می‌شد، قابل‌پذیرش بود (چراکه او انواع کارهای ممکن یا ایدئال را در آموزش مطرح می‌کند)، ولی متأسفانه نمی‌توانم این موارد را از جناب‌عالی به‌عنوان یک مجری بپذیرم. بی‌شک، جناب‌عالی، با ۲۴ سال سابقه می‌دانید که ره‌کردن جنگل بدون طرح، بدترین حالت

ممکن است. درست است که به موارد خوبی اشاره کردید، ولی تنها، وجود طرح و ارتقای محتوای آن می‌تواند ما را به مقصود برساند و نبود طرح یعنی نرسیدن به هدف، نکته مهم اینکه با توجه به فرمایشات جناب‌عالی، پیش‌بینی می‌شود تا هفت، یا هشت سال دیگر نیز شرایط به همین شکل باقی خواهد ماند (این ره که تو می‌روی به ترکستان است). بنده در جلساتی که پیرامون موضوع استراحت جنگل (در سال‌های ۶۵ و ۶۶)، در سازمان جنگل‌ها یا در ریاست جمهوری برگزار می‌شد، حضور داشتم و از این موضوع که اجرای طرح‌های جنگل‌داری متوقف نشوند، دفاع کردم. در آن دوره این بحث در سازمان جنگل‌ها بسیار جدی بود، با همان مصوبه برنامه ششم هم، امکان شروع اجرای طرح جنگل وجود داشت، بعد از شروع، بیشتر این کارها عملی می‌شد. ممکن است عملیاتی‌کردن بعضی از اموری که به آنها اشاره کردید، ۵۰ سال طول بکشد، از نظر بنده، راهی که ترسیم می‌کنید، نگرش و توجه اجرایی ندارد. بنده مسئول جلسه‌ای بودم که به آن اشاره کردید، موضوع جلسه مربوط به کشورهای با سطح پوشش کم جنگل بود و در سال ۱۳۷۷ برگزار شد. اصلاً درمورد اینکه در آن جلسه مرزی گذاشته شد و جنگل به اینجا رسید، حضور ذهن ندارم، محال است چنین تصمیمی در آن جلسه گرفته شده باشد، چیزی که مطرح شد، اینکه ضروری است کشورهای با سطح کمتر از ۱۰ درصد جنگل، برنامه‌ها و سیاست‌های خاصی داشته باشند. در بیشتر جلساتی که از گذشته تاکنون برگزار شده‌اند، همواره تأکید نموده‌ام، جنگل حتی یک روز هم نباید بدون طرح رها شود. طرح جنگل‌داری برگرفته از دانش جنگل و عصاره آن است. طرح‌های ما ناقص بودند، امروز هم اگر طرحی را اجرا کنیم، ناقص خواهد بود، همت ما باید بر این باشد که نقص‌ها را حین اجرا، برطرف کنیم و طرح را ارتقا دهیم. بر این باورم، اگر اراده‌ای برای کار وجود داشت، حتماً این طرح اجرا می‌شد، ولی با شرایط موجود، که به آن اشاره کردید، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد.

دکتر ثاقب طالبی: بنده نیز پیش‌ازاین در جلساتی حضور داشتم که آقای مهندس قاسم‌زاده به‌شدت مخالف طرح توقف بودند. علاوه‌براین،

در سازمان نیز همه موافق توقف طرح نبودند ولی به‌هرحال، طرح متوقف شد.

طبیعت ایران: آقای دکتر علیزاده لطفاً مطالب ارائه‌شده را جمع‌بندی بفرمایید.

دکتر علی علیزاده علی‌آبادی (رئیس مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور)

بحث‌های جالب و ارزشمندی توسط حاضران در جلسه و عزیزی که به‌صورت ویناری حضور داشتند، مطرح شد، لازم است دوباره از دکتر شامخی تشکر کنم. مرور همه مطالب ارائه‌شده نشان می‌دهد، اگر طرح جنگل‌داری متوقف شد، به‌خاطر طرح جنگل‌داری نبود.

می‌توانیم بنویسیم، پیمانکار بگیریم، خدمات و وسایل فراهم کنیم، جاده فراهم کنیم و اینکه کارخانه‌ها آماده باشند که چقدر خوب به دست آنها می‌رسد. آمارها نشان می‌دهند، ۸۰۰۰ نفر به‌صورت مستقیم کار می‌کردند، سپس، به‌یک‌باره طرح متوقف می‌شود، پیامدهایش را تصور کنید. درواقع، در گذشته، یک نظامی وجود داشت. درست است، سازمان محیط‌زیست اصل قضیه بود، آقای مهندس حجتی هم، به‌عنوان وزیر وقت جهاد کشاورزی نقش مؤثری داشتند، اما دوستان ما در سازمان منابع طبیعی، موافق توقف طرح نبودند، در‌هر‌صورت، طرح متوقف شد و سازمان منابع طبیعی نیز این توقف را پذیرفت. از نظر بنده، طرح جنگل‌داری نه صددرصد درست بود و نه



اگر طرح جنگل‌داری درست انجام می‌شد، می‌توانست ادامه پیدا کند. درواقع این طرح باهدف رفع اشکالات موجود در آن، متوقف شد، اینکه بنده گفتم، یک انقلاب است، درواقع از ریشه «قلب» استفاده کردم. منظور بنده از انقلاب، معنای ارزشی آن نبود، بلکه تحولی بود که اتفاق افتاد، این تحول، در حد یک انقلاب بود. همان‌طوری که پیش‌ازین اعلام کردم تا سال ۱۳۳۸، پیمانکاران خارجی و داخلی، با برنامه یا بدون برنامه، با رویه، یا بی‌رویه و بدون طرح از جنگل‌ها بهره‌برداری می‌کردند و بعدازآن بهره‌برداری در قالب طرح‌های جنگل‌داری انجام شد. سازمان منابع طبیعی هم مطالعاتی را انجام می‌داد، چه مقدار رویش داریم، چه تعداد طرح

صددرد اشتباه. به همان اندازه نیز، طرح تنفس نه صددرصد درست بود و نه صددرصد اشتباه و هر دو می‌توانستند در جایگاه خود درست باشند، اما به‌دلیل بی‌تدبیری‌ها و سهل‌انگاری‌های ما، که نتوانستیم طرح جنگل‌داری را به‌درستی اجرا کنیم، طرح تنفس را هم نتوانستیم به‌خوبی اجرا کنیم. به‌هرحال، به‌خاطر نبود اعتبار در سازمان منابع طبیعی، تهیه طرح جایگزین به تعویق افتاد. شاید با جدیت و پیگیری بیشتر، زودتر به نتیجه می‌رسیدیم. به‌عنوان مثال، مؤسسه‌دبیر علمی طرح یک میلیارد نهال است و در چهارچوب خود از آن حمایت و آن را تأیید می‌کند. اگر قرار است طرح یک میلیارد، با بودجه دولتی انجام شود، بالاینکه این طرح در اولویت سازمان منابع طبیعی

کافی به این موضوع نکرديم، چراکه اگر به آن توجه می‌کردیم، بدون تردید راهی می‌یافتیم. از سال ۹۶ تاکنون، ۸ سال گذشته است، موظف بوده‌ایم در این هفت سال طرح جایگزین را تهیه کنیم، وقتی یک سال گذشت و اقدامی نکردیم، بهتر آن بود دلایلش را بررسی و راهکارش را به وزیر ارائه می‌دادیم، یکی از راهکارها این بود که به‌موازات اجرای سایر طرح‌ها در جنگل، این را هم به‌پیش می‌بردیم تا کمی اعتبار از درآمذایی‌ها از جنگل به دست آید. از نظر بنده، باید پیشنهادهایی را به سازمان منابع طبیعی و دولت ارائه دهیم. تعدادی جلسه با سازمان منابع طبیعی برگزار کردیم، بعدازآن اما، همه‌چیز را رها کردیم. درواقع، در این نشست، به‌دنبال مقصر



ایشان، با توجه به مسئولیتشان در سازمان محیط‌زیست و اعتقادی که به طرح تنفس دارند، با دیدگاه برخی از دوستان مغایر باشد. بنابراین، استفاده از این نظرات در بخش گفت‌وگوی چالشی نشریه طبیعت ایران خالی از لطف نخواهد بود.

طبیعت ایران: از همه عزیزانی که در جلسه حضور داشتند و مطالب مفید خود را بدون چشمداشت در اختیار علاقه‌مندان قرار دادند، بی‌نهایت سپاسگزاریم. امیدواریم مطالب بیان‌شده، مورد توجه مسئولین کشور قرار گیرد، به‌طوری‌که، به‌درستی از راهکارهای ارائه‌شده متخصصین در سیاست کلی جنگل‌داری و برنامه‌ریزی‌های آینده استفاده نمایند و پیش از اینکه فرصت‌ها از دست بروند، اقدامات اساسی را انجام دهند.

ضمناً از آقای دکتر کیادلیری خواسته شد که نظرات خود را ارسال نمایند تا در کنار نظرات سایر دوستان از آن بهره‌برداری کنیم که احتمالا به علت مشغله کاری تا کنون مطالبی ارسال نکرده‌اند.

رفع موانع، می‌توان از سمن‌ها کمک گرفت، باید به آنها به‌عنوان یک فرصت ارزشمند نگریست، در بسیاری موارد، واکنش‌های به‌موقع این سمن‌ها، از وقوع اتفاقات ناگوار در جنگل‌ها پیشگیری کرده است، ما در مؤسسه تحقیقات، از این واکنش‌های به‌موقع استقبال می‌کنیم. البته که به حضور نفوذی‌ها و افرادی که با اهداف خاص وارد سمن‌ها می‌شوند، نیز آگاهیم. به‌هرحال، از نظر بنده استقبال از فعالیت‌های سمن‌های حامی محیط‌زیست می‌تواند به ما در این موضوع کمک کند. تعامل با سازمان محیط‌زیست نیز می‌تواند، در بحث تأمین اعتبار مدنظر قرار گیرد، همان‌طور که می‌دانید، عمده فعالیت‌های این سازمان در حوزه فون است.

در پایان، از همه افراد و همکاران محترمی که از سازمان منابع طبیعی و سایر ارگان‌ها در این نشست حضور داشتند و نیز از طریق وبینار در بحث شرکت نمودند، سپاسگزارم. از نظر بنده، جلسه کاملی بود و مطالب ارزشمندی توسط دانشگاهیان عزیز و پژوهشگران و محققان گرامی ارائه شد. از جناب آقای دکتر رحمانی خواهش می‌کنم، مطالب این نشست، در اختیار جناب آقای دکتر کیادلیری قرار داده و از ایشان درخواست شود، نقطه‌نظرات خود را پیرامون موضوع بحث اعلام کنند. به نظر می‌رسد نظرات

نیستیم. ما به‌عنوان مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، بدون اینکه هیچ ارزش‌گذاری مثبت، یا منفی روی طرح جنگل‌داری داشته باشیم، باور داریم، وارث تدبیر و به‌دنبال آن وضعیتی هستیم که در آن قرار گرفتیم. هفت سال است که طرح تنفس اجرا می‌شود، البته که مزایایی هم داشته است، این‌گونه نیست که فقط ایراد داشته باشد، درست است که قاچاق هم روی داده است. در کنار همه این موارد و مشکلات، باید در نظر داشت، مقداری از فون جنگل به جنگل برگشته است، بنابراین، دستاوردهایی را نیز از این طرح داشته‌ایم. برآیند صحبت‌های موافق و مخالف ارائه‌شده در این نشست، لزوم تعیین تکلیف سریع جنگل‌ها را نشان می‌دهد. درواقع، از نظر همگی، ضروری است، جنگل از وضعیت رهاشده درآید و هیچ مسئله‌ای این سهل‌انگاری و غفلت را توجیه نمی‌کند. لازم است، به ظرفیت‌های موجود در دانشگاه‌ها، مؤسسات و سایر مراکز نیز توجه شود. ما نیز در مؤسسه مثل همیشه، به‌عنوان بازوی علمی و تحقیقاتی سازمان آماده همکاری هستیم، اولویت‌های شما اولویت‌های ماست، سازمان منابع طبیعی نیز، باید به این وظیفه خود عمل می‌کرد، به هر دلیلی این طرح تا امروز تهیه نشده است، هم‌اکنون زمان جبران مافات و اشتباهات گذشته است. برای